

Akhlaq-i zistī

i.e., Bioethics Journal

Special Issue on Law and Ethics Innovations, 2022



The Conditions and Effects of Issuing a Bankruptcy Order in the Commercial Law of Iran, England and America with an Attitude to the New Commercial Law Bill

Mohammad Sadegh Amirkhanloo¹, Mohammad Gholamalizadeh^{2*}, Ali Akbar Esmaili¹

1. Department of Private Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

2. Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Bankruptcy in Iranian law is a businessman who is unable to pay his debt and cannot fulfill his obligations. Bankruptcy is realized in three types which are requiring a review of Iranian trade law in this regard. The purpose of the present study was to investigate the dimensions of bankruptcy in Iranian law in accordance with the new Commercial Law Bill, along with a comparative study of British and American law.

Methods: This research is a theoretical type and the research method was done using a descriptive -analytical method based on library information collection by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality have been respected.

Results: The bankrupt businessman is prohibited from interfering with all his property from the date of the judgment. In the United Kingdom, suspended companies are not bankrupted, and they apply a method equivalent to bankruptcy.

Conclusion: In 53 Federal US states, bankruptcy laws are different due to the use of conflict resolution, which is one of the leading systems of conflict resolution rules in this regard. According to common law in the United Kingdom, companies do not stop bankruptcy, and the equivalent method of bankruptcy is to purify and dissolve them. Bankruptcy regulations in the UK's commentary law, unlike Iranian law, are not only for businessmen and include non-businessmen and civil companies.

Keywords: Bankruptcy Order; Iran; England; America; New Bill

Corresponding Author: Mohammad Gholamalizadeh; **Email:** m_gholamalizadeh@pnu.ac.ir

Received: January 16, 2023; **Accepted:** February 20, 2023; **Published Online:** January 29, 2024

Please cite this article as:

Amirkhanloo MS, Gholamalizadeh M, Esmaili AA. The Conditions and Effects of Issuing a Bankruptcy Order in the Commercial Law of Iran, England and America with an Attitude to the New Commercial Law Bill. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. Special Issue on Law and Ethics Innovations. 2022; e10.



انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت

مجله اخلاق زیستی

ویژه‌نامه نوآوری‌های حقوق و اخلاق، ۱۴۰۱

شرایط و آثار صدور حکم ورشکستگی در قانون تجارت ایران، انگلستان و آمریکا با

نگرشی به لایحه جدید قانون تجارت

محمدصادق امیرخانلو^۱، محمد غلامعلی‌زاده^{۱*}، علی‌اکبر اسمعیلی^۱

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: ورشکسته در قوانین ایران به تاجری گفته می‌شود که توان پرداخت دیون خود را ندارد و نمی‌تواند به تعهدات خود عمل کند. ورشکستگی در سه نوع ورشکستگی عادی، ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب تحقق می‌یابد که نیازمند بررسی در قانون تجارت ایران است. هدف از مطالعه حاضر بررسی ابعاد حکم ورشکستگی در حقوق ایران با توجه به لایحه جدید قانون تجارت و همراه با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان و آمریکا بود.

روش: این تحقیق از نوع نظری است و روش تحقیق با استفاده از شیوه توصیفی - تحلیلی و بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از تمام اموال خود ممنوع شده است. در کشور انگلستان شرکت‌های متوقف، ورشکسته نمی‌شوند و روش معادل ورشکستگی در مورد آن‌ها اعمال می‌شود.

نتیجه‌گیری: در ۵۳ ایالت آمریکا که به شکل فدرال اداره می‌شوند، قوانین ورشکستگی به دلیل استفاده از نظام حل تعارض متفاوت است که به علت فدرال بودن یکی از نظام‌های پیشرو در مورد قواعد حل تعارض در این زمینه به شمار می‌رود. بر اساس حقوق کامن‌لا در کشور انگلستان شرکت‌های متوقف ورشکست نمی‌شوند و روش معادل ورشکستگی در مورد آن‌ها تصفیه و انحلال آن‌ها است. مقررات ورشکستگی در حقوق کامن‌لای انگلستان برخلاف حقوق ایران تنها مخصوص تجار نبوده و افراد غیر تاجر و شرکت‌های مدنی را هم دربر می‌گیرد.

واژگان کلیدی: حکم ورشکستگی؛ ایران؛ انگلستان؛ آمریکا؛ لایحه جدید

نویسنده مسئول: محمد غلامعلی‌زاده؛ پست الکترونیک: m_gholamalizadeh@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Amirkhanloo MS, Gholamalizadeh M, Esmaili AA. The Conditions and Effects of Issuing a Bankruptcy Order in the Commercial Law of Iran, England and America with an Attitude to the New Commercial Law Bill. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. Special Issue on Law and Ethics Innovations. 2022; e10.

مقدمه

در هر کشوری با توجه به قوانین موضوعه داخلی آن کشور قوانینی برای صدور حکم ورشکستگی در آن کشور وضع شده است، از جمله اینکه در قانون ایران حتماً شخص ورشکسته باید تاجر باشد. ورشکستگی در حقوق تجارت ایران، وضعیت تاجری را می‌گویند که توان پرداخت دیون خود را ندارد و نمی‌تواند به تعهدات خود جامه عمل بپوشاند. گاهی دیده شده که تاجر اموالی را به اشکال مختلف مثلاً در رهن غیر دارد که این میزان دارایی بیشتر از دیون او است، اما امکان پرداخت تعهدات خود را ندارد. پس از دوره مشروطیت دو آیین اعسار و ورشکستگی تجاری برای تاجر در نظر گرفته شده است. در قانون تجارت در مواد ۵۶۹، ۵۴۱ و ۴۱۲ به عناوین ورشکستگی اشاره شده است: الف - در ورشکستگی عادی تاجر به دلیل حوادث غیر قابل پیش‌بینی یا در ابتدای تقصیر یا تقلب متوقف می‌شود؛ ب - ورشکستگی به تقصیر که به واسطه تقصیر و خطای تاجر حاصل شود و از جمله جرایم غیر عمدی است؛ ۳ - ورشکستگی به تقلب که به دلیل سوءنیت و حيله و تقلبی که تاجر به کار برده است، مجرم شناخته شده است. در حقوق کامن‌لا در کشور انگلستان شرکت‌های متوقف ورشکسته نمی‌شوند و روش معادل ورشکستگی در مورد آنها تصفیه و انحلالشان است. مقررات ورشکستگی در حقوق کامن‌لای انگلستان برخلاف حقوق ایران تنها مخصوص تاجر نبوده و افراد غیر تاجر و شرکت‌های ملی را هم دربر می‌گیرد و در این خصوص نیز مقررات متفاوتی بین دو نظام حقوقی وجود دارد. شرایط ورشکستگی در قانون تجارت ایران این موارد است: ۱- تاجر یا شرکت تجاری بودن؛ ۲- داشتن اهلیت قانونی برای پرداختن به تجارت، بنابراین اگر شخص مجبوری که اهلیت انجام امور مالی را ندارد، ولی به تجارت می‌پردازد، به دلیل عدم توانایی در پرداخت دیون، ورشکسته تلقی نمی‌گردد؛ ۳- ورشکستگی صرفاً برای اعمال تجاری استفاده می‌شود. در این پژوهش نگرشی بر شرایط وضع‌شده در حقوق کشورهای مورد بررسی و همچنین مقایسه‌ای با لایحه جدید قانون تجارت ایران انجام شده است. آشنایی با رویکردهای

متفاوت می‌تواند کمک شایانی به رفع خلأهای قانونی و ارزیابی قوانین جدید باشد.

روش

در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی ابعاد حقوقی و شرایط و آثار صدور حکم ورشکستگی در قانون تجارت ایران و انگلستان و آمریکا با نگرشی به لایحه جدید قانون تجارت ایران پرداخته شده است.

یافته‌ها

یافته‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد لایحه جدید قانون تجارت برخلاف قانون تجارت سال ۱۳۱۱ رویکرد کاملاً متفاوتی نسبت به ورشکستگی تاجر دارد، بدین توضیح که ماده ۹۳۹ آن مقرر داشته، صدور حکم ورشکستگی در صلاحیت ذاتی محاکم تجاری است که با تشخیص عدم امکان بازسازی و به شکل موقتی صادر می‌شود.

بحث

۱. **مفهوم‌شناسی:** در دنیای امروز تجارت یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود. گاهی پیش می‌آید که تاجر به خاطر معامله اشتباه، ریخت و پاش‌های شخصی و یا تغییر و تحولات بازار، سرمایه خود را از دست می‌دهد. قانون حمایت‌های خاصی را برای تاجر ورشکسته‌ای که تقصیر یا تقلبی در مورد ورشکستگی خود نداشته است، در نظر گرفته است. در حقوق تجارت ورشکستگی فقط مخصوص تاجر است و به محض اینکه در پرداخت قروض یا بدهی‌های تاجر وقفه حاصل شد، ورشکسته محسوب می‌شود. این به این معنا نیست که تاجر هیچ مالی ندارد، بلکه به این معناست که بدهی‌های او بیشتر از دارایی اوست و دارایی او کفاف پرداخت بدهی‌هایش را نمی‌دهد. در این بخش به بررسی مفهوم ورشکسته، تاجر، انواع ورشکستگی پرداخته می‌شود.

۱-۱. **تعریف تاجر:** مطابق با تعریف قانون تجارت، تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد.

شغل معمولی، یعنی عملی که جنبه امرار معاش داشته باشد و شخص این عمل را تکرار نماید، پس شخص با یک بار انجام دادن عملیات تجاری یا از روی تفریح انجام دادن این عملیات، تاجر محسوب نمی‌شود. تاجر هم می‌تواند شخصیت حقیقی داشته باشد و هم شخصیت حقوقی، یعنی در قالب یک شخص واحد فعالیت تجاری انجام دهد یا اینکه در قالب یک شرکت تجاری فعالیت کند. همچنین باید عملیات تجاری را به نام و به حساب خود انجام دهد، البته با تصریح قانون برخی نماینده‌ها مانند دلال، عامل و حق‌العمل کار تاجر محسوب می‌شوند. به طور کلی تمام معاملات تجار معاملات تجاری محسوب می‌شوند، مگر اینکه معلوم شود مربوط به امور تجاری نیست، پس اصل بر تجاری محسوب شدن معاملات تاجر است، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. مواد ۲ و ۳ قانون تجارت به بیان مصادیق معاملات تجاری پرداخته‌اند: ماده ۲ قانون تجارت بیان می‌دارد، معاملات تجاری از قرار ذیل است:

- ۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد؛ ۲- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد؛ ۳- هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود، از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و...؛ ۴- تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد؛ ۵- تصدی به عملیات حراجی؛ ۶- تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی؛ ۷- هر قسم عملیات صرافی و بانکی؛ ۸- معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد؛ ۹- عملیات بیمه بحری و غیر بحری؛ ۱۰- کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آن‌ها.

ماده ۳ قانون تجارت بیان می‌دارد، معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آن‌ها تجاری محسوب می‌شود:

- ۱- کلیه معاملات بین تاجر، کسبه، صرافان و بانک‌ها؛ ۲- کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجاری خود

می‌نماید؛ ۳- کلیه معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می‌نماید؛ ۴- کلیه معاملات شرکت‌های تجاری.

بنابراین معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی‌شوند، پس هر شخصی که معاملات ذکر شده در این دو ماده را انجام دهد و شغل خود را مبادرت به این اعمال قرار دهد، تاجر محسوب می‌شود (۱).

۱-۲. تعریف ورشکسته: ممکن است تاجر به علت فقدان سرمایه کافی، در نظر گرفتن رقابت، تغییرات پیش‌بینی نشده بازار و یا به دلایل دیگری از پرداخت بدهی‌های خود ناتوان شود. ورشکستگی به معنای توقف تاجر از پرداخت دیون و ناتوانی او از انجام تعهدات مالی خود می‌باشد. به این معنا که او به علت نداشتن مال یا وجه نقد از پرداخت بدهی‌های خود ناتوان شده است، بنابراین تا زمان تصفیه کامل ورشکستگی، ممنوع‌المعامله می‌گردد، البته این به این معنا نیست که لزوماً بدهی‌های تاجر بیشتر از اموال می‌باشد، بلکه ممکن است به دلیل اینکه اموال او در رهن بانک یا صندوق دادگستری است امکان دسترسی به آن‌ها و پرداخت دیون خود را نداشته باشد. ورشکستگی مخصوص تاجر و شرکت‌های تجاری است. اشخاص عادی و کسانی که به تجارت اشتغال ندارند زمانی که توان پرداخت بدهی‌های خود را نداشته باشند، معسر محسوب می‌شوند. احکام و آثار اعسار با احکام و آثار ورشکستگی شرکت‌ها و تاجر متفاوت هستند و نباید این دو را با هم خلط کرد. ماده ۴۱۲ قانون تجارت به تعریف ورشکستگی پرداخته است: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر عهده اوست، حاصل می‌شود. حکم ورشکستگی تاجر را که حین‌الفوت در حال توقیف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر کرد (۲).

۱-۳. انواع ورشکستگی: در قانون و حقوق تجارت سه نوع ورشکستگی تعریف شده و آثار ورشکستگی نیز پیش‌بینی گردیده است که بر اساس قانون، انواع ورشکستگی، عبارتند از:

۱-۳-۱. ورشکستگی عادی: گاهی اوقات عملکرد تاجر هیچ ارتباطی با ورشکستگی او ندارد و تاجر بدون هیچ دخالت و

عمدی به دلیل تحریم‌های اقتصادی یا تغییر و تحولات غیر قابل پیش‌بینی بازار و مواردی از این دست سرمایه خود را از دست داده و توان پرداخت دیون و بدهی‌های خود را از دست می‌دهد. او باید به محض اینکه بر این وضعیت واقف شد ظرف سه روز به دفتر دادگاه عمومی محل اقامت خود مراجعه کرده و صورت حساب دارایی و دفاتر تجاری خود را به همراه ببرد. در این صورت قانون حمایت‌های خاصی را برای او در نظر می‌گیرد. طی روال قانونی، مدیر تصفیه، جهت مراجعه به اداره تصفیه و انجام امور ورشکستگی، تعیین می‌گردد و روال قانونی ورشکستگی، طی می‌گردد.

۱-۳-۲. ورشکستگی به تقصیر: نوع دوم ورشکستگی، ورشکستگی به تقصیر است، یعنی در اثر اشتباه محاسباتی یا عملکرد، تاجر یا شرکت تجاری ورشکسته می‌شود. مواد ۵۴۱ و ۵۴۲ قانون تجارت مواردی را که تاجر بر اساس آن‌ها ورشکسته به تقصیر شناخته می‌شود را مشخص کرده است: تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود: ۱- در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی او فوق‌العاده بوده است؛ ۲- در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است؛ ۳- اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازل‌تر از مظنه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه است، به کار برده تا تحصیل وجهی نماید، اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد؛ ۴- اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده طلب او را پرداخته باشد. در این موارد دادگاه ملزم به صدور حکم ورشکستگی به تقصیر است.

ماده ۵۴۲ قانون تجارت نیز مقرر می‌دارد، در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود: ۱- اگر به حساب دیگری و بدون اینکه عوضی دریافت نماید تعهدی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آن‌ها، آن تعهدات فوق‌العاده باشد؛ ۲- اگر عملیات تجاری او

متوقف شده و مطابق ماده ۴۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد؛ ۳- اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی‌ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقوقی خود را اعم از قرض و مطالبات به طور صحیح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد). در این موارد دادگاه می‌تواند بنا بر تشخیص خود تاجر را ورشکسته به تقصیر اعلام کند. بنابراین هرگاه تاجر مرتکب یکی از اعمالی که در این دو ماده آمده، شود ورشکسته به تقصیر محسوب می‌شود. ورشکستگی به تقصیر یک جرم محسوب می‌شود و مجازات آن شش ماه تا سه سال حبس است.

۱-۳-۳. ورشکستگی به تقلب: آخرین نوع ورشکستگی، ورشکستگی به تقلب است. در این فرض دادگاه در حین رسیدگی به امر ورشکستگی کشف می‌کند که تاجر عمداً برای آنکه خود را ورشکسته معرفی کند، اعمال مذکور در ماده ۵۴۹ قانون تجارت را انجام داده است.

ماده ۵۴۹ قانون تجارت بیان داشته است که هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده و یا به طریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر تاجر ورشکسته که خود را به وسیله اسناد و یا به وسیله صورت دارایی و قروض به طور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی‌باشد، مدیون قلمداد نموده است، ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می‌شود. در صورتی که دادگاه این موارد را احراز کند تاجر را ورشکسته به تقلب معرفی می‌کند و طبق قانون به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌شود (۳).

۲. ابعاد حقوقی شرایط صدور حکم ورشکستگی در قانون ایران: در این قسمت تلاش شده است با بررسی ابعاد حقوقی شرایط صدور حکم ورشکستگی در قانون ایران و با توجه به نوآوری‌های لایحه جدید قانون تجارت در خصوص نحوه رسیدگی در امور تاجر متوقف یا ورشکسته، آثار حقوقی ناشی از مواد قانون تجارت در رابطه با بنگاه‌های متوقف و

بحران زده و حمایت از حقوق طلبکاران در مقابل تاجر ورشکسته مورد واکاوی قرار گیرد.

قانون تجارت تاجر را عبارت از کسی دانسته که به انجام معاملات تجاری اشتغال دارد. در لایحه اصلاحی قانون تجارت شاهد جایگزینی واژه شخص به جای «کسی» هستیم تا به این طریق شرکت های تجاری و اشخاص حقیقی تاجر و کسبه را داخل در تعریف تاجر نماید و از سوی دیگر به جای معاملات تجاری سخن از فعالیت های تجاری نموده است، آن هم فعالیت های تجاری که به منظور کسب منفعت مادی انجام می گیرد. لازم است به مفهوم توقف نیز اشاره شود که حالت تاجری است که از پرداخت دیون خود باز می ماند، یعنی نتواند به تعهدات تجاری خود عمل کند. همچنین هیأت های تشخیص وفق مقررات لایحه، در اجرای اهداف و مقررات بازسازی در سطح کشور هیأت مرکزی و هیأت های استانی تشخیص تشکیل می دهند. هیأت مرکزی تشخیص ضمن اعمال نظارت بر اجرای مقررات بازسازی عهده دار وظایف و اختیارات ذیل است: ۱- ایجاد رویه واحد در تصمیمات و اقدامات هیأت های استانی تشخیص؛ ۲- نظارت بر حسن اجرای مقررات بازسازی و مصوبات هیأت های استانی؛ ۳- نظارت بر عملکرد سازمان بازسازی در اجرای تصمیمات هیأت های استانی تشخیص؛ ۴- رسیدگی به تجدید نظرخواهی از آرای هیأت های استانی تشخیص؛ ۵- رسیدگی به امر بازسازی تجاری که فعالیت آن ها دارای اهمیت ملی است.

شرایط ورشکستگی در قانون تجارت ایران این موارد است: ۱- تاجر یا شرکت تجاری بودن؛ ۲- دارای اهلیت قانونی برای انجام امور تجاری، یعنی افرادی که از نظر قانونی دارای اهلیت های حمایتی از سوی قانونگذار هستند، به تجارت مشغول باشند و در تأدیه قروض ناتوان گردند از نظر قانونگذار ورشکسته تلقی نمی گردند؛ ۳- صرفاً در رابطه با انجام اعمال تجاری می توان از عبارت ورشکستگی استفاده کرد (۴).

۲-۱. نوآوری لایحه جدید قانون تجارت در خصوص نحوه رسیدگی به امور تاجر متوقف یا ورشکسته: همانطور که گفته شد ورشکستگی حالت تاجری است که از پرداخت دیون

خود متوقف شود، یعنی نتواند به تعهدات تجاری خود عمل کند که قدر متقین آن پرداخت دین حالت معین است (۵). ورشکستگی را از منظر لایحه جدید قانون تجارت چنین تعریف نموده اند. ورشکستگی حالت تاجر حقیقی یا حقوقی متوقفی است که از پرداخت بدهی های خود عاجز بوده و بنا به جهت قانونی پیش بینی شده لایحه یا مشمول آیین بازسازی نشده یا آیین بازسازی در خصوص وی نتیجه بخش نبوده و برای وی سند عدم امکان بازسازی از سوی هیأت تشخیص سازمان بازسازی صادر و به حکم دادگاه تجاری ورشکسته اعلام شده است (۶).

۲-۲. آثار حقوقی اعمال قانون تجارت در خصوص

بناگاه های متوقف و بحران زده: سازمان تصفیه امور ورشکستگی در قالب یک مؤسسه دولتی زیر نظر رییس قوه قضاییه تشکیل شده و دارای ریسی است که دارای رتبه قضایی بوده و با حکم ریاست قوه قضاییه منصوب می گردد (۷). همچنین آیین بازسازی مخصوص افراد تاجر، یعنی عمدتاً کسبه است. در این آیین روش بازسازی بنگاهی اعمال شده و سعی و اهتمام در انعقاد قرارداد ارفاقی با بستانکاران است. دیون به معاملات تجاری مربوط می باشد. دیون های غیر تجاری از سوی دادگاه متوقف نمی شود، مگر در انجام معاملات سبب اخلاص در امر تجارت شود (۸). عدم پرداخت دیون باید نتیجه ناتوانی در پرداخت تأدیه ناشی از انجام امور تجاری باشد، برای همین است که عدم پرداختی ها در سایر امور همچون ناتوانی در پرداخت برات به منزله ورشکستگی نخواهد بود. این امر به میزان دارایی تاجر نیز بستگی ندارد، یعنی حتی در شرایط داشتن دارایی بیشتر از دیون نیز می تواند منجر به صدور رأی ورشکستگی از سوی دادگاه باشد. به طور خلاصه آثار ورشکستگی به قرار زیر است: ۱- منع شدن تاجر در مداخله اموال خودش؛ ۲- ممنوع شدن از مداخله کردن در سایر دعاوی؛ ۳- باطل شدن معاملات تجاری؛ ۴- تبدیل دیون موجد به زمان حال؛ ۵- ساقط شدن حق انفرادی بستانکاران در تعقیب؛ ۶- تأمین و تأدیه کردن مطالبات؛ ۷- سلب شدن حق اعتبار؛ ۸- محروم شدن از حقوق سیاسی و اجتماعی در

برخی موارد؛ ۹- مجازات کردن شخص ورشکسته به شرط صدور احکام ورشکستگی (۹).

۲-۳. حمایت از حقوق طلبکاران در مقابل تاجر ورشکسته:
وجود یک عنصر ارتباط خارجی در یک قضیه ورشکستگی از قبیل تابعیت متفاوت ورشکسته یا طلبکاران، وجود اموال ورشکسته در کشور دیگر، داشتن شعبه در کشور دیگر، باعث تشکیک در قانون حاکم بر ورشکستگی می شود (۱۰) که خود قابل تقسیم به دو دسته است: دسته اول قانون شکلی حاکم بر دعوی ورشکستگی که شامل دادگاه صالح با آیین دادرسی صالح است؛ دسته دوم قانون ماهوی حاکم بر ورشکستگی که شامل قواعد ماهوی تشخیص تاجر، تشخیص توقف و ورشکستگی و... است (۱۱). با اجرای حکم ورشکستگی شخص تاجر از مداخله در اموال خود منع می گردد و تمامی عواید حاصل از تجارت نیز قابل وصول نخواهد بود. باید به این نکته نیز توجه شود که زمانی فردی را ورشکسته می دانیم که از نظر دادگاه شخص ورشکسته به حساب بیاید. در اینجا قائم مقام قانونی در قالب مدیر تصفیه بیشترین اختیارات قانونی را از نظر قانونگذار در انجام امور و دخالت های مالی دارد (۱۲). در ماده ۴۱۸ قانون تجارت تصریح شده است که آثار حکم ورشکستگی می بایست از سوی محاکم صلاحیتدار صادر شده باشد. ماده ۴۱۹ از قانون تجارت بیان می دارد برای طرح دعوی از اموال منقول و غیر منقول شخص ورشکسته مدیر تصفیه از نظر دادگاه باید پاسخگو باشد. در ماده ۴۱۸ همچنین تصریح شده است که زمانی شخص ورشکسته از مداخله امور مالی خود منع می گردد که حکم دادگاه برای او صادر شده باشد، لذا افرادی که بعداً و بدون توجه و یا آگاهی از ورشکستگی تاجر اقدام به بستن قرارداد کرده باشند و به دلیل توقیف تاجر در استفاده از اموال خود، متضرر شوند باید ضمن طرح دعوی جداگانه نسبت به خواسته خود از محاکم قانونی، اقدام نمایند (۱۳).

۳. آثار حقوقی ورشکستگی در حقوق تجارت کامن لا در انگلستان و آمریکا: نظام کامن لای انگلستان و آمریکا به نظام رویه قضایی نیز معروف است. نظام حقوق کامن لا اساساً حقوق

ساخته دست قضا و دادگاه ها است. در حقوق کامن لا در کشور انگلستان شرکت های متوقف ورشکست نمی شوند و روش معادل ورشکستگی در مورد آنها تصفیه و انحلالشان می باشد. مقررات ورشکستگی در حقوق کامن لای انگلستان برخلاف حقوق ایران تنها مخصوص تاجر نبوده و افراد غیر تاجر و شرکت های مدنی را هم دربر می گیرد و در این خصوص نیز مقررات متفاوتی در دو نظام حقوقی وجود دارد. در ایالات متحده آمریکا به دلیل نوع حاکمیت فدرالی ما با ۵۳ قانون در حوزه ورشکستگی رو به رو هستیم که هر ایالت قوانین مربوط به خود را اجرا می کند. ایالات متحده آمریکا به دلیل فدرالی اداره شدن برای حل تعارضات موجود از قانون مناسب پیروی می کند که یکی از بهترین رویکردها در حوزه اجرای قانون ورشکستگی است (۱۴). قانون اساسی در ایالات متحده در بند هجدهم از بخش هشتم به این موضوع پرداخته که اگر قانونی در سطح فدرال مورد تصویب قرار گیرد بر قوانین ایالتی ارجحیت داشته و ملاک تصمیم گیری محاکم خواهد بود، لذا در صورت تصویب قوانین ایالتی ملاک عمل قانون فدرال خواهد بود. در بحث ورشکستگی اولین قانون در سال ۱۸۶۱ به شکل ایالتی در یکی از ایالت ها تصویب گردید. در قانونی که در سال ۱۸۴۱ مورد تصویب قرار گرفته بود اگر تاجری بدهی بیش از ۲۰۰۰ دلار داشت و یکی از طلبکارانش نیز طلبی بیش از ۵۰۰ دلار آمریکا داشت می توانست از دادگاه حکم ورشکستگی برای تاجر بگیرد. قانون تصویب شده در آن سال مجدد در سال ۱۸۶۷ مورد اصلاح و بازنگری قرار گرفت و این بار به جای لحاظ محدودیت های دلاری تعداد طلبکاران و مبلغ طلب آن ها مد نظر قانونگذار قرار گرفت، یعنی اگر از یک نفر از چهار نفر طلبکار ادعایی مبنی بر توقف در امور مالی مطرح می کرد، دادگاه با صدور رأی شخص تاجر را ورشکسته اعلام می کرد و یا اگر طلبکاری طلبش از یک سوم اموال تاجر بیشتر می بود نیز می توانست علیه تاجر جهت اعلام ورشکستگی و توقف در اموال از دادگاه صلاحیتدار رأی بگیرد. بعد از سال ها از تصویب این قانون شاهد اصلاحات و بازنگری مجدد با طرح پرونده هریسون (Harrison) هستیم که از قانون مناسب بهره برده شد و حتی موضوع اختلاس نیز به این ماده در ۱۹۰۹

اضافه شد. اجرای قانون تراتست نیز یکی از اقدامات موفق در ارتباط با پرونده‌های ورشکستگی در ایالات متحده آمریکا بوده که در استفاده از قانون مناسب و رفع تعارض در قوانین به خوبی عمل کرده است (۱۵).

در حقوق ایران بر اساس لایحه جدید قانون تجارت صدور احکام ورشکستگی ویژگی‌هایی دارد از جمله: «الف - تاجر یا شرکت تجاری بودن؛ ب - احراز شرایط توقف؛ ج - تقاضای هیأت تشخیص؛ د - حکم دادگاه». در این میان، سازمان بازسازی و هیأت تشخیص دو نهادی هستند که بازسازی تجار را بر عهده دارند. برای صدور رأی نیاز به دادگاه تخصصی به نام دادگاه تجاری است و برای امر تصفیه نهادی به نام سازمان تصفیه امور به انجام اعمال مربوط به اشخاص ورشکسته می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

لایحه جدید قانون تجارت رویکرد کاملاً متفاوتی نسبت به ورشکستگی تجار دارد، بدین توضیح که ماده ۹۳۹ لایحه اصلاحی مقرر داشته برای صدور حکم ورشکستگی نیاز به رأی صادره از دادگاه‌های تجاری است که بر اساس رأی هیأت تشخیص صادر می‌گردد و اجرای آن نیز به صورت موقتی خواهد بود. ماده ۸۳۵ لایحه اصلاحی نیز چنین مقرر می‌دارد: اگر تاجری اعلام نماید که توانایی ادامه تجارت را دارد، ولی در وضعیت کنونی قادر به پرداخت دیون خود نیست، به تشخیص سازمان بازسازی می‌تواند مورد بازسازی قرار گیرد. با توجه به مقررات مذکور، چنین استنباط می‌گردد که تاجری که متوقف از پرداخت دیون شده به صرف توقف، ورشکسته محسوب نمی‌گردد و دادگاه نمی‌تواند حکم ورشکستگی چنین شخصی را صادر نماید. چنین شخصی در صورتی که قادر به ادامه فعالیت تجاری بنا به تشخیص هیأت تشخیص سازمان بازسازی باشد مشمول آیین‌نامه بازسازی گردیده و تا زمان تعیین تکلیف در خصوص بازسازی، ورشکسته محسوب نمی‌گردد، در حالی که در قانون تجارت وفق ماده ۴۱۲ به صرف عدم قدرت تاجر در پرداخت دیون، وی ورشکسته

قلمداد می‌گردد. با عنایت به مراتب فوق‌الاشعار می‌توان ورشکستگی را از منظر لایحه جدید قانون تجارت چنین تعریف نمود: ورشکستگی حالت تاجر حقیقی یا حقوقی متوقفی است که از پرداخت بدهی‌های خود عاجز بوده و بنا به جهت قانونی پیش‌بینی شده در لایحه یا مشمول آیین بازسازی نشده یا آیین بازسازی در خصوص وی نتیجه‌بخش نبوده و برای وی سند عدم امکان بازسازی از سوی هیأت تشخیص سازمان بازسازی صادر و به حکم دادگاه تجاری ورشکسته اعلام شده است. ساختار ورشکستگی لایحه جدید قانون تجارت، درصدد این است که نقایص قانونی مربوط به قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به همراه اصلاحات این قانون و قانون مربوطه به اداره تصفیه امور ورشکستگی و قوانین مرتبط با ایفای تعهدات تجار حقیقی و حقوقی را در نظر گرفته و راهکارهای پیشنهادی در امور (مدیر تصفیه یا اداره تصفیه امور ورشکستگی حسب مورد) ارائه دهد.

مشارکت نویسندگان

محمدصادق امیرخانلو: گردآوری منابع، جمع‌آوری داده‌ها و نگارش مقاله.

محمد غلامعلی‌زاده: راهنمایی و نظارت بر اجرای پژوهش.

علی‌اکبر اسمعیلی: مشاوره علمی در خصوص مسائل تخصصی پژوهش.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Jafari Langroudi MJ. Legal Terminology. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 1995. Vol.7. [Persian]
2. Nasser T. Business Law. Tehran: Ava-ye Noor Publications; 2010. Vol.1. [Persian]
3. Mirkamali SAR, Saleh Ahmadi S. Islamic punishments in the current legal system. Tehran: Gallus Publications; 1997. Vol.2. [Persian]
4. Katebi H-GH. Business Law. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2000. Vol.8. [Persian]
5. Dordy Farahani MH. Bankruptcy and Settlement. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2010. Vol.1. [Persian]
6. Damirchi M. Commercial law in the current legal system. Tehran: Persian Gulf Publications; 2013. Vol.2. [Persian]
7. Safinia N. An introduction to the law of commercial companies in Iran. 2nd ed. Tehran: University of Tehran; 2011. [Persian]
8. Roshan M. Jurisprudence and legal review of insolvency and bankruptcy. Tehran: Ferdowsi Publications; 2017. Vol.2. [Persian]
9. Erfani M. Business Law, Bankruptcy and Property Liquidation. Tehran: Jungle Publications; 2008. [Persian]
10. Safari M. Commercial Law Bankruptcy. Tehran: Sahami Publishing Co; 2019. Vol.2. [Persian]
11. Sotoudeh Tehrani H. Business Law. Terran: Justice Publications; 2009. Vol.4. [Persian]
12. Eskini R. Business Law Bankruptcy and Liquidation of Bankruptcy. Tehran: Samt Publications; 2009 Vol.13. [Persian]
13. Basri Q. Asar about the convictions of the sentences issued by the criminal courts. Bar Association Magazine. 1964; 16(91): 64-67. [Persian]
14. Azari K. la cessation des paiements. Law and Political Science. 1977; 19: 1-42. [Persian]
15. Almasi NA, Shams E. Applicable Substantive Law in Bankruptcy. Private Law Research. 2017; 5(19): 9-43. [Persian]